

تحلیل ماده ۱۳۳ قانون حمایت از مالکیت صنعتی؛ حدود مطابقت با مقتضیات نظام‌های ثبتی، ضرورت‌های حقوق مالکیت صنعتی و مجرای قرار اناطه

سعید حبیبی • استاد، گروه حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

habiba@ut.ac.ir

(نویسنده مسئول)

امیر ناظری • دانشجوی دکتری حقوق نفت و گاز، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

a.nazeri@ut.ac.ir

چکیده

دارنده گواهی‌نامه ثبت حقوق مالکیت صنعتی از حقوق انحصاری برخوردار است، اما با توجه به احتمال اشتباه مرجع ثبت در احراز شرایط ماهوی، هیچ قطعیتی در خصوص اعتبار گواهی‌نامه صادره وجود ندارد. آیا مرجع قضایی رسیدگی‌کننده به دعوی یا شکایت نقض حقوق مالکیت صنعتی، می‌تواند رأساً بدون اینکه دعوی ابطال گواهی‌نامه طرح شده باشد، اعتبار گواهی‌نامه را از جهت وجود شرایط ماهوی ثبت مورد بررسی قرار دهد؟ در سال‌های اخیر، مراجع کیفری در مقام رسیدگی به شکایت نقض، ضمن ارجاع امر به کارشناس، به مسأله اعتبار گواهی‌نامه ورود می‌کردند و در صورت عدم احراز شرایط ثبت، اقدام به صدور قرار منع تعقیب می‌کردند؛ رویکردی که مورد حمایت برخی نویسندگان نیز قرار گرفته بود. اما قانون‌گذار در ماده ۱۳۳ قانون جدید حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۴۰۳، حکمی خلاف رویه قضایی وضع نموده است؛ بدین ترتیب که مرجع قضایی در صورت مواجه شدن با دفاع بی‌اعتباری گواهی‌نامه، مکلف به صدور قرار اناطه گردیده و ممنوع از ورود مستقیم به مسأله اعتبار گواهی‌نامه شده است. حال این سوال مطرح است که این رویکرد جدید تا چه حد با مقتضیات نظام‌های ثبتی، ضرورت‌های مالکیت صنعتی و همچنین مجرای قرار اناطه مطابقت دارد؟ در مقاله حاضر، رویه قضایی پیشین و دکترین حامی آن مورد نقد قرار می‌گیرد و این نتیجه حاصل می‌شود که نگاه نوین مقنن انطباق کامل با مقتضیات نظام‌های ثبتی، ضرورت‌های حقوق مالکیت صنعتی و مجرای قرار اناطه دارد.

واژگان کلیدی: حقوق مالکیت صنعتی، اختراع، طرح صنعتی، علامت تجاری، انحصار بلاجهت، قرار اناطه.



زمانی می‌توان موضوعات حقوق مالکیت صنعتی اعم از اختراع، طرح صنعتی یا علامت تجاری را در قلمرو مالکیت یک شخص دانست و آن شخص را دارنده حقوق انحصاری محسوب نمود که آن موضوع پس از احراز شرایط ماهوی و شکلی در اداره مالکیت صنعتی به ثبت برسد.

همواره ممکن است اشخاص دیگر بدون اذن دارنده گواهی‌نامه اقدام به بهره‌برداری از موضوع ثبت شده نمایند؛ امری که در صورت اثبات، نقض حق دارنده حقوق انحصاری محسوب می‌شود. از این روی، این شخص حق دارد با مراجعه به مراجع قضایی، حسب مورد خواستار منع استفاده، جبران خسارت و محکومیت کیفری شخص ناقض شود.

مسئله اصلی مقاله حاضر این است که وقتی دعوای نقض حقوق مالکیت صنعتی مطرح می‌شود گواهی‌نامه ثبت تا چه حدی اعتبار دارد؟ آیا صرفاً به جهت این که موضوع مورد نظر به ثبت رسیده و گواهی‌نامه‌ای صادر شده مرجع قضایی مکلف است مشتکی عنه یا خوانده را محکوم کند و یا این که ضرورت دارد مقدماً با ارجاع امر به کارشناس، اقدام به بررسی صحت یا عدم صحت ثبت پدیده صنعتی نماید؟ در سالهای اخیر و قبل از تصویب قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳، رویه مراجع کیفری این گونه بوده که مستقیماً و حتی بدون مواجه شدن با دفاع بی‌اعتباری گواهی‌نامه از جانب مشتکی عنه به مسئله اعتبار گواهی‌نامه ورود می‌کردند و در صورت عدم احراز شرایط ماهوی، اقدام به صدور قرار منع تعقیب می‌نمودند. استدلال مراجع مزبور این بوده که مرجع ثبت در ارزیابی منتهی به صدور گواهی‌نامه عملاً بر اساس سیستم اعلامی اقدام می‌کند و دقت لازم به عمل نمی‌آید؛ در نتیجه با توجه به این که حقوق انحصاری صرفاً نسبت به پدیده صنعتی واجد شرایط قابل تصور است، در صورت احراز نادرستی ثبت، دارنده گواهی‌نامه را فاقد حق می‌دانستند.^۱ در این خصوص برخی نویسندگان با ارائه استدلالهایی و بر مبنای این گزاره که مرجع ثبت اصولاً دقت لازم را در

^۱ به طور مثال در پرونده های منتهی به قرار شماره 9809972120200921 و قرار شماره 9809972120200718 در شعبه دوم دادرسی دادسرای ناحیه ۲۶.

ارزیابی موضوعات به خرج نمی‌دهد از این رویه دفاع کرده‌اند و آن را تلاشی قابل تقدیر جهت صدور آرای کیفری متقن انگاشته‌اند که می‌تواند منطبق با مقتضای اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری باشد. (شاکی، زهرا، بهادری جهرمی، زهرا، ۱۴۰۰، ص ۲۲۰)

با این حال، ماده ۱۳۳ قانون حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۴۰۳ حاوی حکمی مخالف با رویه مراجع کیفری و نظریات نویسندگان حامی آن است. این ماده مقرر داشته: "هر گاه متهم در مراجع کیفری موضوع این قانون، ادعای بی‌اعتبار بودن گواهی‌نامه ثبت شاکی را مطرح کند، در صورت وجود قرائن و امارات قابل قبول وفق ماده ۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری، قرار اناطه صادر می‌شود. در این موارد چنانچه بیم تأمین نشدن خسارات وارد شده بر شاکی وجود داشته باشد، دادگاه می‌تواند از متهم تأمین مناسب اخذ کند. ... در نتیجه مرجع کیفری اختیار ندارد به مسئله صحت ثبت و اعتبار گواهی‌نامه ورود کند؛ بلکه در صورت مواجه شدن با دفاع بی‌اعتباری گواهی‌نامه، صرفاً حق دارد اقدام به صدور قرار اناطه نماید تا متهم ظرف یک ماه دعوای ابطال گواهی‌نامه را در مرجع حقوقی طرح نماید؛ نهایتاً در صورت ابطال گواهی‌نامه قرار منع تعقیب یا حکم برائت صادر می‌شود؛ در غیر این صورت متهم محکوم خواهد شد.

حال این سوال مطرح می‌شود که رویه قضایی پیشین مطابقت بیش‌تری با موازین حقوق مالکیت صنعتی و آیین دادرسی دارد و یا رویکرد قانون جدید؟ در هر صورت، مراجع کیفری با اتکا بر مجموعه‌ای از استدلال‌ها قائل به امکان ورود به مسئله صحت ثبت بدون نیاز به طرح دعوای ابطال گواهی‌نامه بودند که عمده آن‌ها ریشه در اقتضای روش ثبت از حیث اعلامی یا سنجشی بودن و ضرورت رفع انحصار بلاجهت و همچنین، عدم امکان صدور قرار اناطه بر اساس ماده ۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری داشته است؛ اما واضح قانون جدید رویکردی کاملاً متفاوت اتخاذ نموده است. درست است که رویکرد حاضر قانون‌گذار روشن است و مراجع قضایی از ورود مستقیم به ارزیابی صحت ثبت منع گردیده‌اند، اما ارزیابی مبنایی بحث از اهمیت بالایی برخوردار است و ضروری محسوب می‌شود؛ زیرا باید تحلیل شود که آیا رویکرد واضح قانون حمایت از مالکیت صنعتی مناسب

حال جامعه بوده است یا خیر؟ به تعبیر دیگر، با توجه به این که حکم قانون جدید متفاوت از رویه قضایی سابق است این سوال مطرح می شود که آیا همان رویکرد رویه قضایی سابق مطابقت بیش تری با منافع اجتماعی نداشت؟ قانون گذار بر چه اساس اقدام به وضع قانون جدید نموده است و عملاً ابتکار عمل را از مراجع کیفری سلب نموده است؟ از این روی، لازم است مبنای ماده ۱۳۳ قانون جدید به دقت مورد بررسی قرار گیرد تا مشخص شود که مدلول آن تا چه میزان مناسب وضع جامعه می باشد.

در نوشتار حاضر سعی بر آن است که ضمن پاسخ به سه سوال، حدود کارایی مقرر ماده ۱۳۳ قانون حمایت از مالکیت صنعتی مورد تحلیل قرار گیرد:

۱- آیا ورود مرجع قضایی به مسئله اعتبار یا عدم اعتبار گواهی نامه انطباقی با مقتضیات ثبت محور بودن روش حمایت از حقوق مالکیت صنعتی دارد یا خیر؟

۲- آیا ورود مرجع قضایی به مسئله اعتبار یا عدم اعتبار گواهی نامه انطباقی با ضرورت های حقوق مالکیت صنعتی به عنوان ابزار سنجش حدود کارایی^۲ مقررات حقوق مالکیت صنعتی دارد یا خیر؟

۳- با توجه به قواعد آیین دادرسی کیفری آیا مسئله مورد بحث در مجرای قرار اناطه قرار می گیرد؟ ضرورت بررسی این موضوع از آن جهت است که در قرارهای متعدد منع تعقیب قید گردیده: "با توجه به ماده ۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات و الحاقات بعدی قرار اناطه فقط در خصوص اموال غیر منقول مصداق پیدا می کند (در حالی که دارایی های فکری اموال ویژه ای هستند و تابع نظام خاص خود) نمی توان احکام مربوط به اموال سنتی را بر آنها بار کرد." ^۳ بنابراین جا دارد به طور دقیق قلمرو قرار اناطه و امکان تمسک به آن در مسئله حاضر مورد تحلیل قرار گیرد تا حدود انطباق رویکرد ماده ۱۳۳ با مقتضیات آیین دادرسی کیفری مشخص شود. در این رابطه این سوال مطرح است که آیا تفسیر رویه قضایی پیشین از مجرای قرار اناطه صحیح بوده و با

^۲ Efficiency.

^۳ از جمله در قرارهای شماره ۹۸۰۹۹۷۲۱۲۰۲۰۰۹۲۱ و ۹۷۰۹۹۷۲۱۲۰۲۰۰۶۰۰ و ۹۶۰۹۹۷۲۱۲۰۲۰۱۱۹۹ صادره از شعبه دوم دادسرای ناحیه ۲۶.

توجه به تبصره ۲ ماده ۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری، اموال موضوع حقوق مالکیت صنعتی از قلمرو و مجرای قرار اناطه خارج بوده‌اند یا این که تفسیر رویه قضایی پیشین از تبصره ۲ ماده ۲۱ ناصواب بوده و حتی بدون نیاز به وضع قانون جدید ممنوعیتی در صدور قرار اناطه وجود نداشت؟ نتیجه رویکرد اول این خواهد بود که حکم ماده ۱۳۳ قانون جدید حمایت از مالکیت صنعتی، تبصره ۲ ماده ۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری را به طور جزئی نسخ کرده است و برخی اموال منقول را وارد قلمرو قرار اناطه نموده است. در مقابل، نتیجه رویکرد دوم این است که اموال موضوع حقوق مالکیت صنعتی حتی بدون وضع ماده ۱۳۳ در قلمرو و مجرای قرار اناطه جای داشتند؛ از این روی، ماده ۱۳۳ صرفاً در مقام شاف‌سازی و مرتفع نمودن تفسیر ناصواب رویه قضایی از ماده ۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری وضع شده است.

مطالب این مقاله را به سه گفتار تقسیم می‌کنیم و به ترتیب، به تحلیل پرسش‌های فوق می‌پردازیم.

۱ - تحلیل حدود اعتبار گواهی‌نامه از منظر مقتضیات ثبت محور بودن روش حمایت در حقوق مالکیت صنعتی

نظام‌های ثبتی با هدف تحقق دو کارکرد حمایتی و اطلاع رسانی پای به عرصه وجود گذاشته‌اند. مراد از کارکرد حمایتی این است که به محض ثبت، مجموعه‌ای از حقوق نسبت به موضوع ثبت شده برای شخص ثبت‌کننده پدید می‌آید. از سوی دیگر، منظور از کارکرد اطلاع رسانی، آگاه نمودن اشخاص حاضر در جامعه از موضوع و دایره حقوق اسقرا یافته در قلمرو دارایی اشخاص است. (طباطبایی حصاری، نسرین، صادقی‌مقدم، حسین، ۱۳۹۴)، ص ۶۴۸) در کشورهای گوناگون با دو سیستم سنجشی و اعلامی برای ثبت موضوعات حقوق مالکیت صنعتی مواجه هستیم. در نظام‌های سنجشی، مرجع ثبت پس از ارزیابی دقیق شرایط ماهوی اقدام به ثبت پدیده صنعتی می‌کند، اما در نظام‌های اعلامی صرفاً شرایط شکلی مورد توجه قرار می‌گیرند.

سوال این است که آیا انتخاب هر کدام از این دو روش می‌تواند در حدود اعتبار گواهی‌نامه مالکیت صنعتی اثرگذار باشد؟ آیا صدور گواهی‌نامه بر اساس روش اعلامی به معنای این است که دارنده

گواهی نامه حق انحصاری مطلق داشته و اگر اقدام به طرح دعوی نقض نماید مرجع قضایی مکلف است بر اساس آن سند، خواننده را محکوم کند؟ رویکرد نظامهای حقوقی مبتنی بر روش اعلامی به چه ترتیب بوده است؟ در این خصوص برخی از نویسندگان بیان داشته‌اند در نظامهای ثبت سنجشی مرجع قضایی اصولاً نمی‌تواند رأساً به مسئله صحت ثبت و اعتبار گواهی نامه ورود کند اما در نظامهای ثبت اعلامی، مرجع قضایی با چنین تکلیفی مواجه است. (بهادری جهرمی، زهرا، شاکری، زهرا، (۱۳۹۵)، ص ۱۲۱۴، شاکری، زهرا، بهادری جهرمی، زهرا، (۱۴۰۰)، ص ۲۰۵) از این روی، برای تبیین این مسئله، موضوع را در دو مبحث بررسی خواهیم کرد؛ در مبحث نخست به تشریح رویکرد مزبور مبنی بر تفاوت دو نظام اعلامی و سنجشی در خصوص حدود اعتبار گواهی نامه می‌پردازیم و در مبحث دوم به شناسایی محل استقرار حقوق انحصاری در نظام حقوق مالکیت صنعتی ایران خواهیم پرداخت.

۱-۱ - تشریح رویکرد مبتنی بر تفاوت نظام اعلامی و سنجشی در خصوص حدود اعتبار گواهی نامه

برخی نویسندگان در تعریف "اصل اعتبار گواهی نامه ثبت اختراع"^۴ بیان داشته‌اند: "منظور از اعتبار گواهی نامه این است که با توجه به این که یک گواهی نامه از سوی مقامات دولتی و با رعایت مقررات مربوط طی یک نظام تحقیقی صادر شده است دادگاهها باید در صورت ارائه گواهی ثبت اختراع توسط طرفین دعوی به منزله سند مثبت حق همه اجزای این سند را معتبر بدانند و با اعتماد به آن در خصوص دعوی تصمیم‌گیری کنند." (شاکری، زهرا، بهادری جهرمی، زهرا، (۱۴۰۰)، ص ۲۰۵). همان‌طور که در این تعریف مشهود است این نویسندگان اعتبار گواهی نامه و امکان اتکای مرجع قضایی به گواهی نامه صادره و الزام ایشان به رسیدگی را منوط به این دانسته‌اند که ثبت پدیده‌های صنعتی بر اساس نظام سنجشی انجام شود و چنین اعتباری را برای گواهی نامه‌های صادره از یک نظام ثبت اعلامی قائل نیستند. همچنین در ادامه بیان داشته‌اند گواهی نامه صادره تحت نظام اعلامی

⁴ Presumption of Patent Validity.

صرفاً سندی دال بر زمان ثبت اختراع است که محدوده آن و جنبه‌های مورد حمایت را نشان نمی‌دهد (بهادری جهرمی، زهرا، شاکری، زهرا، (۱۳۹۵)، ص ۱۲۱۳)

طرفداران این رویکرد معتقدند در نظام‌های ثبت اعلامی، ارزیابی اصلی اعتبار گواهی‌نامه در دادگاه انجام می‌شود نه در اداره ثبت مالکیت صنعتی و به همین دلیل، گواهی‌نامه‌های صادره در سیستم‌های اعلامی دلالتی بر استقرار حقوق انحصاری در قلمرو دارایی دارنده گواهی‌نامه ندارند؛ بلکه حقوق انحصاری نسبت به پدیده صنعتی واجد شرایط برقرار می‌شود؛ بدین معنا که اگر اختراعی واجد شرایط سه گانه ماهوی ثبت نباشد، اساساً هیچ حقی به آن شخص تعلق نمی‌گیرد ولو آن که اختراع مورد نظر به ثبت رسیده باشد. خلاصه آن که در نظام‌های اعلامی گواهی‌نامه صادره هیچ دلالتی بر ابتکاری بودن اختراع یا داشتن کاربرد صنعتی و تازگی آن ندارد و قانون‌گذار مسئولیت نهایی بررسی شرایط قانونی ثبت و اعطای حق را بر عهده دادگاه گذاشته است. (بهادری جهرمی، زهرا، شاکری، زهرا، (۱۳۹۵)، پیشین، ص ۱۲۱۳) از دیدگاه این نویسندگان تفاوت اصلی نظام‌های ثبت اعلامی و سنجشی این است که در نظام‌های اعلامی، گواهی‌نامه ثبت از جهت شرایط ماهوی ثبت و وجود حق انحصاری هیچ‌گونه سندیتی ندارد و نفس صدور گواهی‌نامه به منزله اعطای حقوق انحصاری به شخص دارنده گواهی‌نامه نیست؛ اما در کشورهای مبتنی بر نظام سنجشی، به صرف ثبت و صدور گواهی‌نامه، حقوق انحصاری به شخص اعطا می‌گردد.

اصولاً در مقام روشن نمودن بیشتر این تفکیک به ادبیات متفاوت قانون ثبت علائم و اختراعات ۱۳۱۰ (به عنوان قانون مبتنی بر نظام اعلامی) و قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری ۱۳۸۶ (به عنوان قانون مبتنی بر سیستم سنجشی) استناد می‌شود. به طور مثال، ماده ۳ ق.ث.ا.ط.ع ۱۳۸۶ مقرر داشته: "گواهی‌نامه اختراع سندی است که اداره مالکیت صنعتی برای حمایت از اختراع صادر می‌کند و دارنده آن می‌تواند از حقوق انحصاری بهره‌مند شود." همچنین ماده ۱۵ این قانون بیان داشته: "حقوق ناشی از گواهی‌نامه اختراع به ترتیب زیر است: الف- بهره‌برداری از اختراع ثبت شده در ایران توسط اشخاصی غیر از مالک اختراع مشروط به موافقت

مالک است. ... " در واقع، از نظر قائلین رویکرد مارالذکر یکی از نموده‌های تفاوت نظام‌های اعلامی و سنجشی در این است که در قانون ۱۳۱۰ هیچ ماده‌ای که دلالت بر سندیت مطلق گواهی‌نامه اختراع داشته باشد و حقوق ناشی از ثبت را احصا کرده باشد وجود ندارد؛ اما برعکس، قانون ۱۳۸۶ که مبتنی بر روش ثبت سنجشی است حاوی موادی با این محتوی می‌باشد.

نقطه ثقل استدلال این نویسندگان، ماده ۳۶ ق.ث.ع.ا. ۱۳۱۰ است؛ همان طور که بیان شد این قانون مبتنی بر سیستم ثبت اعلامی بود و بر این اساس، ماده ۳۶ این قانون مقرر داشته: "ورقه اختراع به هیچ وجه برای قابل استفاده بودن و یا جدید بودن و یا حقیقی بودن اختراع سندیت ندارد و همچنین ورقه مزبور به هیچ وجه دلالت بر این نمی‌کند که تقاضاکننده یا موکل او مخترع واقعی می‌باشد و یا شرح اختراع و یا نقشه‌های آن صحیح است و اشخاص ذی‌نفع می‌توانند نسبت به موارد مزبوره در محکمه ابتدایی تهران اقامه دعوی کرده و خلاف آن را ثابت نمایند." از این ماده برداشت کرده‌اند: "...استناد به اصل (منظور اصل اعتبار گواهی‌نامه ثبت اختراع است) در نظام‌های اعلامی چندان قابل دفاع نیست چراکه اصولاً از ابتدا بررسی خاصی روی تقاضانامه انجام نشده است که دادگاه بخواهد ارزش خاصی برای آن گواهی قائل باشد کما اینکه حتی قانون ثبت اختراع سابق ایران نیز در ماده ۳۶ خود اعتبار خاصی از نظر ماهوی برای گواهی صادره قائل نشده است." (بهادری جهرمی، زهرا، شاکری، زهرا، (۱۳۹۵)، ص ۱۲۲۱) نهایتاً بیان داشته‌اند در دعوای نقض حق اختراع در خصوص گواهی که طبق نظام اعلامی صادر شده است دادگاه باید فی‌البداهه وجود شرایط اختراع را احراز کند و بنابراین نمی‌توان گفت اثبات بی‌اعتباری به عهده متهم به نقض است؛ زیرا اصولاً در مسائل ماهوی اعتبار خاصی برای گواهی وجود ندارد. نتیجه آن‌که در سیستم‌های ثبت اعلامی اولاً ثبت اختراع و وجود گواهی‌نامه دلالتی بر صحت ثبت و وجود شرایط ماهوی نداشته است؛ ثانیاً بار اثبات اعتبار گواهی‌نامه با دارنده گواهی‌نامه است و دادگاه رأساً باید به موضوع اعتبار ثبت ورود کند.

از دیدگاه راقمین این سطور، گواهی‌نامه ثبت در سیستم‌های اعلامی هیچ سندیتی در خصوص وجود شرایط ماهوی ثبت ندارد؛ چراکه اساساً هیچ بررسی در این خصوص انجام نشده و ماده ۳۶ ق.ث.ع.ا. ۱۳۱۰ نیز صراحتاً این امر را بیان داشته است. مطالعه تطبیقی موضوع نیز می‌تواند نشان دهد که سایر کشورهای مبتنی بر نظام اعلامی حاوی مقررات مشابه هستند. به طور مثال، قانون ثبت اختراعات لبنان مصوب ۲۰۰۰ در ماده ۱۶ (به عنوان کشوری مبتنی بر نظام اعلامی) مقرر داشته: "گواهی‌نامه صادره به هیچ وجه ارزش، صحت توصیف، کاربرد صنعتی یا خلاقانه بودن اختراع را تضمین نمی‌کند." ۵ اما آیا این بدان معناست که گواهی‌نامه‌های صادره در سیستم‌های اعلامی هیچ گونه دلالتی بر وجود حق انحصاری ندارند؟ به نظر می‌آید تحلیل این بحث نیازمند شناسایی آن موضوعی که حق انحصاری بدان تعلق می‌گیرد است؛ امری که در مبحث بعد بدان خواهیم پرداخت.

۲-۱ - تأثیر روش ثبت (از جهت اعلامی و سنجشی بودن) بر حدود اعتبار گواهی‌نامه با شناسایی موضوع و محل استقرار حقوق انحصاری

سوالی که مطرح می‌شود این است که حقوق انحصاری به چه موضوعی تعلق می‌گیرد و چه چیزی موجب حق انحصاری است؟ در پاسخ، سه موضوع را می‌توان به عنوان موضوع حقوق انحصاری تصور نمود:

گزینه اول این که بگوییم حق انحصاری نسبت به موضوعی ایجاد می‌شود که واجد شرایط ماهوی است؛ حال چه ثبت شده و چه ثبت نشده باشد؛ در این روش، عملاً ثبت تأثیری در ایجاد و استقرار حقوق انحصاری ندارد.

گزینه دوم این است که بگوییم حقوق انحصاری نسبت به موضوعاتی تعلق می‌گیرد که شرایط ماهوی را دارند اما استقرار این حقوق منوط به این است که آن موضوع به ثبت رسیده باشد. در این رویکرد، ثبت شرط لازم برای اعطای حق است اما به هیچ وجه شرط کافی نیست. قانون حمایت

⁵ "The patent is issued without guarantee as to the soundness, value, honesty or precision of description, industrial applicability or creativity of the invention."

از نرم افزارهای رایانه‌ای در بحث اختراعات نرم افزاری مبتنی بر این رویکرد است؛ طبق ماده ۲ این قانون، در صورت وجود شرایط لازم در قانون ثبت اختراعات، نرم افزار به عنوان اختراع شناخته می‌شود؛ اما طبق ماده ۹ این قانون، اقامه دعوی و به تعبیر دیگر، استقرار حقوق انحصاری منوط به ثبت آن نرم افزار است. در واقع، آن چه موجد حق انحصاری می‌باشد وجود شرایط ماهوی بوده اما امکان استناد به این حق انحصاری منوط به ثبت اختراع است.

گزینه سوم این است که حقوق انحصاری به موضوعاتی تعلق می‌گیرد که ثبت شده باشند؛ البته برای این که موضوعات به ثبت برسند لازم است تمام شرایط ماهوی محقق باشند، اما در هر حال، پس از ثبت پدیده صنعتی، صرف نظر از صحت یا عدم صحت ثبت، به جهت صدور گواهی نامه، حقوق انحصاری ایجاد و مستقر می‌شود. ضمناً ممکن است بعدها این گواهی نامه ثبت باطل شود و با لحاظ این که ابطال اثر قهقرایی دارد کاشف به عمل آید از ابتدا گواهی نامه‌ای وجود نداشته و به تبع، هیچ گاه حقی به وجود نیامده است.

به نظر می‌رسد قطع نظر از این که نظام ثبت از نوع اعلامی یا از نوع سنجشی باشد، ضرورت دارد به نص قانون مراجعه نماییم و دریابیم که کدام یک از گزینه‌های فوق مورد پذیرش قانون‌گذار قرار گرفته است. مستنبط از مواد ۳، ۱۵، ۲۸ و ۴۰ قانون ثبت اختراعات، طرحهای صنعتی و علائم تجاری ۱۳۸۶ می‌توان گفت در این قانون صرف نظر از روش ثبت پدیده‌های صنعتی، برای هر سه موضوع اختراع، طرح و علامت تجاری رویکرد سوم مورد تبعیت قرار گرفته بود. ماده ۳ قانون ۱۳۸۶ مقرر می‌داشت: "گواهی نامه اختراع سندی است که اداره مالکیت صنعتی برای حمایت از اختراع صادر می‌کند و دارنده آن می‌تواند از حقوق انحصاری بهره‌مند شود." مضاف بر این که در مواد ۲۸ و ۴۰ این قانون حکمی مشابه در خصوص طرح صنعتی و علامت تجاری بیان شده است.

بنابراین آن چه موجد حق انحصاری می‌باشد صرف ثبت پدیده صنعتی مورد نظر است؛ چه این ثبت به درستی انجام شده و چه به صورت نادرست انجام شده باشد. البته ممکن است بعداً با ابطال

^۶ از این پس از عبارت قانون ۱۳۸۶ استفاده می‌شود.

گواهی‌نامه و جاری شدن اثر قهقرایی کاشف به عمل آید اصلاً از ابتدا حق انحصاری وجود نداشته است.

همچنین به دلالت مواد ۱۱، ۳۳، ۷۵، ۷۶، ۸۲، ۹۴ و ۱۰۹ می‌توان گفت رویکرد قانون حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۴۰۳^۷ نیز دقیقاً همانند قانون ۱۳۸۶ بوده است. به طور مثال، ماده ۳۳ این قانون مقرر داشته: "جنبه‌های مادی حقوق ناشی از اختراع یا حق بهره‌برداری انحصاری از آن متعلق به دارنده گواهی‌نامه است."

بنابراین با توجه به نص قانون، استدلال برخی قضات که در آرای خود، پدیده صنعتی واجد شرایط را موضوع حق انحصاری می‌دانند و استقرار حق انحصاری را منوط به این دانسته‌اند که مرجع قضایی وجود شرایط ماهوی را با ارجاع امر به کارشناس احراز نماید ناصواب می‌نماید. به طور مثال در یکی از قرارهای منع تعقیب صادره از شعبه دوم دادپاری دادرای ناحیه ۲۶ آمده است: "جهت برقراری حمایت حقوقی و کیفری و احراز شرایط ماهوی برای قاضی لازم است، پدیده صنعتی ثبت شده به عنوان موضوع جرم واجد شرایط ماهوی به رسمیت شناخته شده است." (قرار شماره ۹۸۰۹۹۷۲۱۲۰۲۰۰۹۲۱ شعبه ۲ دادپاری دادرای ناحیه ۲۶) گویی قاضی صادرکننده این رأی عقیده بر جریان رویکرد و گزینه دوم در نظام حقوقی ایران داشته و معتقد است ثبت شرط لازم برای حمایت است اما شرط کافی نیست و برای برقراری حقوق انحصاری ضرورت دارد در هر مورد بررسی شود که شرایط ثبت وجود داشته یا نداشته است.

بنابراین به نظر می‌رسد طبق قانون ۱۳۸۶ و همچنین قانون ۱۴۰۳ شرط لازم و کافی برای برقراری حقوق انحصاری، ثبت پدیده صنعتی است که در نتیجه آن، حقوقی به شخص ثبت کننده اعطا می‌شود و با پایان مدت حمایت از آن پدیده صنعتی و یا با ابطال گواهی‌نامه از بین می‌رود.

^۷ از این پس از عبارت قانون ۱۴۰۳ استفاده می‌شود.

حال به سراغ نظامهای اعلامی می‌رویم؛ آیا در این نظامها رویکرد سوم پذیرفته شده یا قانون‌گذاران متمایل به رویکرد دوم بوده‌اند و در واقع، ثبت را شرط لازم اما غیرکافی برای برقراری حقوق انحصاری انگاشته‌اند؟ همان‌طور که قبلاً بیان شد برخی نویسندگان بیان داشته‌اند که در نظامهای اعلامی صرف ثبت به معنای برقراری حقوق انحصاری نیست و در مقام ارائه مثال به کشورهای لبنان و ایتالیا و همین‌طور قانون ثبت علائم و اختراعات ۱۳۱۰ اشاره نموده‌اند؛ (بهادری جهرمی، زهرا، شاکری، زهرا، (۱۳۹۵)، پیشین، ص ۱۲۱۴، شاکری، زهرا، بهادری جهرمی، زهرا، (۱۴۰۰)، پیشین، ص ۲۰۵) عقیده‌ای که در برخی از آرای مراجع کیفری نیز انعکاس یافته است. (قرار شماره ۹۸۰۹۹۷۲۱۲۰۲۰۰۹۲۱ شعبه ۲ دادپاری دادرای ناحیه ۲۶) اگر این ادعا صحیح باشد قاعدتاً نظامهای اعلامی متمایل به رویکرد دوم هستند.

اما تا آن جا که مورد بررسی نگارندگان مقاله حاضر قرار گرفته نظر نویسندگان مزبور بر پایه‌هایی نادرست بنا نهاده شده و مثالهای ارائه شده ایشان از کشورهای دیگر ناصواب می‌باشد؛ بدین توضیح که اولاً در نظام حقوقی ایتالیا روش ثبت مبتنی بر روش سنجشی و نه روش اعلامی بوده است؛^۸ ثانیاً در کشور لبنان به عنوان یک کشور مبتنی بر نظام اعلامی چنین رویکردی اتخاذ نشده است. ماده ۱۶ قانون ثبت اختراعات لبنان بیان داشته گواهی‌نامه ثبت هیچ دلالتی بر وجود شرایط ماهوی اختراع ندارد، اما در ماده ۵ آمده: "دارنده گواهی‌نامه حق انحصاری بهره‌برداری از اختراع موضوع گواهی‌نامه را برای ۲۰ سال از تاریخ تسلیم اظهارنامه دارد." ^۹ همچنین در ماده ۱۶ مصادیق حقوق انحصاری بیان شده و در ماده ۴۰ ضمانت اجرای نقض حق به تفصیل بیان شده‌اند؛ بدون این که به جهت اعلامی بودن سیستم ثبت، مجوزی برای ورود دادگاه به بررسی اعتبار گواهی‌نامه داده شده باشد. در واقع در نظام حقوقی لبنان، به دلالت مواد مارالذکر، به صرف ثبت اختراع حقوق انحصاری برای شخص پدید می‌آید و قاعدتاً این حقوق انحصاری تا زمان بقای گواهی‌نامه به قوت خود باقی

^۸ البته استثنائاً در رابطه با اختراعاتی که درخواست ثبت آن‌ها بر اساس حق تقدم تقدیم می‌گردد روش ثبت اعلامی است؛ اما این امر تأثیری بر حقوق انحصاری ناشی از ثبت این اختراعات ندارد.

^۹ Art 5: "the patentee has the exclusive rights to exploit the invention subject matter of a patent in twenty years from the date of filing."

خواهند بود. بنابراین نحوه استدلال قائلین به تفاوت نظامهای اعلامی و سنجشی در خصوص حدود اعتبار گواهی‌نامه از جهت تطبیقی و اساس استناد به نظام حقوقی لبنان کاملاً مخدوش می‌نماید.

حال به سراغ قانون ۱۳۱۰ می‌رویم؛ ماده ۲۶ این قانون مقرر داشته: "هر قسم اکتشاف یا اختراع جدید در شعب مختلفه صنعتی یا فلاحتی به کاشف یا مخترع آن حق انحصاری می‌دهد که بر طبق شرایط و در مدت مقرر در این قانون از اکتشاف یا اختراع خود استفاده نماید مشروط بر این که اکتشاف یا اختراع مزبور مطابق مقررات این قانون در اداره ثبت اسناد تهران به ثبت رسیده باشد." از سوی دیگر، ماده ۳۶ قانون مقرر داشته: "ورقه اختراع به هیچ وجه برای قابل استفاده بودن و یا جدید بودن و یا حقیقی بودن اختراع سندیت ندارد و همچنین ورقه مزبور به هیچ وجه دلالت بر این نمی‌کند که تقاضاکننده یا موکل او مخترع واقعی می‌باشد و یا شرح اختراع و یا نقشه‌های آن صحیح است و اشخاص ذی نفع می‌توانند نسبت به موارد مزبوره در محکمه ابتدایی تهران اقامه دعوی کرده و خلاف آن را ثابت نمایند." اگر این دو ماده را با هم جمع کنیم شاید بتوان رویکرد قانونگذار را متمایل بر پذیرش گزینه دوم دانست.

اما اگر دقیق‌تر به مواد قانون ۱۳۱۰ بینگریم نتیجه دیگری حاصل می‌شود؛ زیرا ماده ۳۳ متضمن حکمی است که مدلول صریح آن نشان از تمایل قانون‌گذار به رویکرد سوم دارد. این ماده بیان داشته: "مدت اعتبار ورقه اختراع به تقاضای مخترع ۵ یا ۱۰ یا ۱۵ و یا منتهی ۲۰ سال خواهد بود - در مدت مزبور که باید صراحتاً در ورقه اختراع قید شود مخترع یا قائم مقام قانونی او حق انحصاری ساخت یا فروش یا اعمال و یا استفاده از اختراع خود را خواهد داشت." همان طور که مشاهده می‌شود این ماده هم همچون مواد ۳ و ۱۵ و ۲۸ و ۴۱ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ مقرر داشته در مدت حیات ورقه اختراع دارنده ورقه اختراع حق انحصاری بهره‌برداری از اختراع را دارد. بنابراین تا زمانی که این گواهی‌نامه به قوت خود باقی است و به حیات خود ادامه می‌دهد حقوق انحصاری برقرار و باقی است و ضرورت دارد ضمانت اجراهای حقوق مالکیت صنعتی نسبت به آن‌ها برقرار باشد.

مطالب فوق نشان می‌دهد این دیدگاه که در نظام ثبت اعلامی حق انحصاری مطلق پدید نمی‌آید انطباقی با نص قانون ندارد. با تفکیک بین دو موضوع روش ثبت و وجود حق انحصاری که اتفاقاً طبق ماده ۳۳ قانون ۱۳۱۰ صراحتاً در متن گواهی‌نامه بدان اشاره شده است، می‌توان بر این عقیده بود که تا زمان اعتبار گواهی‌نامه، مرجع قضایی مکلف است بدان ترتیب اثر دهد و ضمانت اجرای نقض را نسبت به اعمال متضمن نقض جاری بداند. همچنین نظر آن نویسندگانی که بیان داشته‌اند قانون ۱۳۱۰ در ماده ۳۶ چندان اعتباری برای گواهی‌نامه ثبت قائل نبوده مطابق با واقع نیست؛ چراکه اولاً طبق ماده ۳۳ در گواهی‌نامه قید می‌شود برای دوره زمانی مورد نظر موجد حقوق انحصاری است؛ ثانیاً در همان ماده ۳۶ بیان شده که هر کس ادعایی دارد باید اقامه دعوی کند و عدم اعتبار گواهی‌نامه را اثبات کند و در ادامه در ماده ۳۷ به بحث ابطال گواهی‌نامه اختراع اشاره شده است. به بیان دیگر، اصلاً در ماده ۳۶ بیان نشده صدور گواهی‌نامه به معنای برقراری حقوق انحصاری نیست؛ بلکه صرفاً بیان شده صدور گواهی‌نامه به معنای وجود شرایط ماهوی ثبت نمی‌باشد و تکلیف وجود یا عدم وجود حقوق انحصاری در ماده ۳۳ تعیین شده است.

لازم به ذکر است قانون‌گذار با پیش‌بینی احتمال اشتباه مرجع ثبت در صدور گواهی‌نامه امکان ابطال گواهی‌نامه را قاعده‌سازی نموده است. حال اگر بنا بر این بود که حقوق انحصاری به تبع ثبت، مستقر و برقرار نباشد و با طرح ادعایی مثل فقدان شرایط ماهوی ثبت، بدون این که دعوای ابطال طرح شده باشد مرجع قضایی به ارزیابی شرایط ثبت ورود کند و در پی احراز فقدان شرایط ماهوی به گواهی‌نامه ترتیب اثر ندهد اساساً چه نیازی به پیش‌بینی نهاد ابطال گواهی‌نامه در قانون وجود داشت؟ وقتی خود دادگاهها می‌توانستند در مقام اعمال ضمانت‌اجراها و در مواقعی که در می‌یابند مال فکری قابل ثبت نبوده از اعمال ضمانت‌اجرا خودداری کنند منطقاً نیازی به قاعده‌سازی نهاد ابطال وجود نداشت. بنابراین همین امر نشان از این دارد که ورود مرجع قضایی به مسئله اعتبار گواهی‌نامه، در شرایطی که هنوز دعوای ابطال طرح نگردیده هیچ گونه مطابقتی با مقتضیات نظام ثبت مالکیت صنعتی و نص قانون ندارد.

آنچه تعیین‌کننده است رویکرد قانون در خصوص محل استقرار حق انحصاری می‌باشد و روش ثبت از حیث اعلامی یا سنجشی موثر در مقام نیست. لازم به ذکر است حتی اگر عقیده بر افتراق رویکرد کشورهای مبتنی بر روش اعلامی و سنجشی داشته باشیم اساساً چنین موضوعی در ایران محلی از اعراب ندارد؛ زیرا طبق مواد ۲۶، ۷۵، ۸۰ و ۱۰۱ قانون ۱۴۰۳ ارزیابی تمام مصادیق مالکیت صنعتی بر اساس روش سنجشی انجام می‌شود. ۱۰ در نتیجه رویکرد ماده ۱۳۳ قانون ۱۴۰۳ مبنی بر ممنوعیت مرجع کیفری از ورود به مسئله اعتبار گواهی‌نامه و ارزیابی صحت ثبت انطباق کامل با مقتضیات نظام‌های ثبتی دارد.

۲ - تحلیل بحث از منظر ضرورت‌های حقوق مالکیت صنعتی

در گفتار اول به این جمع‌بندی رسیدیم که از منظر مقتضیات ثبت محور بودن روش حمایت از مالکیت صنعتی، مرجع قضایی در مقام رسیدگی به دعوی یا شکایت نقض نمی‌تواند رأساً به مسئله اعتبار گواهی‌نامه ثبت ورود کند. در گفتار حاضر سعی بر آن است که این موضوع از جهت ضرورت‌های حقوق مالکیت صنعتی مورد تحلیل قرار گیرد. در واقع، در این گفتار قصد داریم با تمسک به ضرورت‌های حقوق مالکیت صنعتی به عنوان معیار و ابزار افزایش کارایی در قاعده‌سازی حقوق مالکیت صنعتی به تحلیل اقتصادی مانحن‌فیه بپردازیم. از این روی، لازم است ابتدا در مبحث اول، مفهوم ضرورت‌های حقوق مالکیت صنعتی تشریح شود تا مخاطب به ادبیاتی مشترک به راقمین

^{۱۰} گذشته از این‌ها اخیراً رویه‌ای در مراجع کیفری از جمله در قرارهای شماره ۹۷۰۹۹۷۲۱۲۰۲۰۰۶۰۰ و ۹۶۰۹۹۷۲۱۲۰۲۰۱۱۹۹ صادره از شعبه دوم دادسرای ناحیه ۲۶ شکل گرفته که بر اساس آن، قبل از شروع تحقیقات، مقام قضایی سعی می‌کند احراز نماید که آیا در سه سال گذشته علامت مورد استفاده بوده است یا خیر؟ این امر ناظر بر ماده ۴۱ قانون ۱۳۸۶ در خصوص الغای علامت به جهت عدم استفاده (non-use) بوده است. این رویکرد مورد تأیید برخی نویسندگان قرار گرفته است. (جعفرزاده، میرقاسم، لجم اورک، حسن، (۱۳۹۹)، ص ۱۷۷) اما پذیرش آن چه در مورد محل استقرار حقوق انحصاری بیان شد نشان می‌دهد تا زمانی که گواهی‌نامه باطل یا الغا نگردیده حقوق انحصاری به قوت خود باقی است و باید مورد ترتیب اثر قرار گیرد. البته این حالت نیز مشمول ماده ۱۳۳ قانون ۱۴۰۳ است؛ در نتیجه در صورت طرح دفاع مبنی بر تحقق شرایط الغای علامت به جهت عدم استفاده که در ماده ۱۱۰ انعکاس یافته مرجع کیفری مکلف به صدور قرار اناطه خواهد بود. البته نقض نوع اول منوط به تحقق گمراهی مصرف‌کننده بوده و در مواقعی ممکن است مرجع قضایی به این نتیجه برسد که به جهت عدم استفاده مالک از علامت اساساً مصرف‌کننده هیچ‌گونه ایده‌ای از منشأ کالاها و خدمات نداشته و در نتیجه، به دلیل متصور نبودن گمراهی مصرف‌کننده اساساً شرایط تحقق نقض محقق نگردیده است. (عزیزثانی، حمیدرضا، ابهری، حمید، حسینی، سیدحسن، (۱۴۰۱)، ص ۳۵۱). قاعداً با فرض پذیرش این رویکرد، رد دعوی و شکایت به این جهت خارج از بحث مقاله حاضر می‌باشد.

این اثر در رابطه با مفهوم این ضرورتها برسد و سپس در مبحث دوم، اقتضای این ضرورتها در خصوص حدود اعتبار گواهی‌نامه حقوق مالکیت صنعتی در دعاوی نقض مورد تحلیل قرار گیرد تا مشخص گردد که رویکرد ماده ۱۳۳ قانون ۱۴۰۳ با مصالح و مقتضیات اقتصادی و تجاری انطباق دارد یا خیر.

۲-۱ - ضرورت‌های حقوق مالکیت صنعتی

منظور از ضرورت‌های حقوق مالکیت صنعتی آن دسته از ملاحظات است که جهت افزایش کارایی مقررات حقوق مالکیت صنعتی در قاعده سازی و تفسیر قواعد آن باید مورد لحاظ قرار گیرند. این ضرورتها را می‌توان به دو ضرورت ایجاد بستری مناسب برای تجاری‌سازی دارایی‌های فکری و ضرورت رفع انحصار بلاجهت تقسیم نمود.

۲-۱-۱ - ضرورت ایجاد بستری مناسب برای تجاری‌سازی

از منظر مقاله حاضر، تجاری‌سازی موضوعات حقوق مالکیت صنعتی به معنای بهره‌برداری سوداگرانه از این موضوعات است. بنابراین، بستری مناسب برای تجاری‌سازی وضعیتی است که در صورت تحقق، خالقین پدیده‌های صنعتی بتوانند ضمن حفظ منافع اجتماعی، بیش‌ترین بهره ممکن را از پدیده صنعتی مورد نظر ببرند. تجاری‌سازی یک مال فکری در دو مقطع انتخاب روش حمایت از آن موضوع و انتخاب روش بهره‌برداری از آن موضوع عینیت پیدا می‌کند. اهمیت بستری مناسب برای تجاری‌سازی را می‌توان نشأت گرفته از اهداف اساسی حقوق مالکیت صنعتی یعنی تشویق فعالیت‌های نوآورانه و اشاعه آن‌ها در جامعه انگاشت.

هدف غایی نظام حقوق مالکیت صنعتی از بین بردن نگرانی بهره‌برداری تجاری از اموال

فکری توسط سرمایه‌گذاران و خالقین این اموال است؛ (WIPO Intellectual Property

Handbook, 2004, p. 3) به همین جهت ایجاد بستری مناسب برای تجاری‌سازی یکی از

ضرورت‌های حقوق مالکیت صنعتی به حساب می‌آید. در شرایطی که طبیعتاً تضمین مناسبی برای

حمایت از پدیدآورندگان اموال فکری وجود ندارد، حقوق مالکیت فکری پای به میان می‌نهد و با پیش بینی حقوق انحصاری و ممنوع نمودن سایر اشخاص از بهره برداری از موضوعات ثبت شده این تضمین را فراهم می‌آورد. در راستای تحقق هدف مذکور، مقررات حقوق مالکیت فکری، خاصه حقوق مالکیت صنعتی، باید طوری تدوین و تفسیر شوند که بستری مناسب و امن برای تجاری سازی موضوعات مورد حمایت فراهم آید.

تجاری سازی دارایی‌های فکری، خاصه اختراع، زمانی به طرز کارآمد انجام می‌شود که اشخاص جهت انتخاب نظام حمایت از پدیده‌های صنعتی خود (اعم از ثبت اختراع و اسرار تجاری) با چالشی مواجه نباشند؛ یعنی اگر یک مخترع واقعاً نظام ثبت اختراع را به سود خود می‌داند نسبت به ثبت اختراع اقدام کند و به جهت دافعه‌ها و ناکارآمدی‌های نظام ثبت مالکیت صنعتی از ثبت اختراع خود رویگردان نشود.

همواره یکی از عوامل توجیه‌کننده‌ی نظام ثبت اختراع فراهم آوردن زمینه افشای اطلاعات راجع به اختراعات برای جامعه است. (Uma Suthesanan, Graham Dutfield and Kit Boey, 2007, p. 9) ریشه اهمیت این امر را می‌توان در نظریات نویسندگان تحلیل اقتصادی حقوق جستجو نمود؛ به زعم ایشان نابرابری اطلاعات همواره از عواملی است که بازار را در تخصیص بهینه منابع دچار شکست می‌نماید و تلاش برای از میان بردن این انحصار و اشتراک حداکثری اطلاعات را قدمی برای افزایش کارایی می‌دانند. دسترسی حداکثری به اطلاعات راجع به اختراعات می‌تواند مسیری مناسب برای فعالیتهای خلاقانه و فکری دیگر فعالان و بازیگران عرصه دانش فراهم آورد. (Landess, William, Ponsler, Richard, 2003, p. 294) از این رو قوانین حوزه‌ی حقوق مالکیت صنعتی باید به نحوی تدوین شوند که اشخاص در دوراهی انتخاب نظام ثبت اختراع و اسرار تجاری، نظام ثبت اختراع را نظامی ناکارآمد ندانند. در فرآیند تصمیم‌گیری در خصوص روش حمایت از اختراعات، ملاحظات مد نظر مخترعین قرار می‌گیرد. از مهمترین این ملاحظات می‌توان به قابلیت

ثبت اختراع، قابلیت تجاری آن اختراع و میزان احتمال مهندسی معکوس^{۱۱} در صورت تمسک به نظام اسرار تجاری اشاره نمود. (Gail A. Van Norman, Gail A., 2017, p. 2) همچنین عوامل دیگری نیز می‌توانند بر این انتخاب اثرگذار باشند؛ به طور مثال، اگر اختراع افشا شده این قابلیت را داشته باشد که پایه و اساس اختراعات دیگر قرار گیرد، ممکن است شخص مخترع جهت جلوگیری از ایجاد موقعیت الگوبرداری از اختراع خود توسط رقبایش تمایلی به ثبت اختراع و تبعاً افشای اطلاعات آن اختراع نداشته باشد. (Erkal, Nisvan, , 2004, P14) در نتیجه اشخاص در فرآیند تجاری سازی اختراعاتشان در مواقعی نظام اسرار تجاری و در مواقعی دیگر نظام ثبت اختراع را ترجیح می‌دهند و به نوعی، این دو نظام یکدیگر را تکمیل می‌کنند. (Barnaby, Howard, 1973, p. 517) قاعدتاً یکی از ملاحظات یکی که جهت انتخاب یک نظام حمایتی مد نظر قرار می‌دهند میزان قطعیت^{۱۲} حمایت‌های آن نظام است. قاعده‌سازی حقوق مالکیت صنعتی باید به نحوی انجام شود که در فرآیند تجاری‌سازی و انتخاب نظام حمایتی، اشخاص با مانعی دلسردکننده جهت انتخاب نظام ثبت اختراع که همراه با مزیت افشای اطلاعات است مواجه نشوند تا هم بالاترین سطح انگیزه برای فعالیت‌های فکری فراهم آید و هم با افشای اطلاعات اختراع، منافع اقتصادی جامعه به بهترین شکل ممکن تأمین شود و هدف کارایی مقررات حقوق مالکیت صنعتی به ثمر نشیند.

از سوی دیگر، مصلحت اجتماعی در این است که اختراعات و طرح‌های صنعتی به بیش‌ترین میزان ممکن مورد استفاده قرار گیرند تا هم جامعه از مزایای آن‌ها بهره‌مند شود و هم نفع مادی بیشتری نصیب مالک آن پدیده فکری گردد. بهره‌برداری از پدیده‌های صنعتی به دو شکل استفاده شخصی و اعطای مجوز بهره‌برداری امکان‌پذیر است. بنابراین ضرورت ایجاد بستری مناسب برای تجاری‌سازی اموال فکری ایجاب می‌کند نه تنها حمایت موثر و قوی نسبت به آن‌ها برقرار شود بلکه اشخاص با مانع یا

¹¹ Reverse Engineering.

¹² Certainty.

عاملی که آن‌ها را نسبت به انعقاد قرارداد بر حذر دارد مواجه نشوند؛ یعنی شرایط طوری باشد که اگر دارنده حق اختراع، صرف نظر از بهره برداری شخصی، از بهره برداری از طریق انعقاد قرارداد و اعطای مجوز بهره برداری^{۱۳} بر حذر نباشد. (Roper, Nicholas, 2008, p. 1654).

۲-۱-۲ - ضرورت رفع انحصار بلاجهت

حمایت از پدیده‌های صنعتی و ایجاد انحصار برای خالق مال فکری هزینه‌های اجتماعی زیادی از جمله افزایش هزینه جامعه برای بهره برداری از آن مال فکری و افزایش هزینه‌های رقبا برای ورود به بازار را به همراه دارد. (Lemley, Mark, 2005, p. 87) صرف نظر از این که جامعه نمی‌تواند از آن موضوع ثبت شده استفاده کند و قیمت کالاها و خدمات متضمن آن مال فکری افزایش پیدا می‌کند، ممکن است نفس انحصاری شدن موضوعات ثبت شده هزینه‌هایی برای ورود سایرین به بازار داشته باشد و تبعاً اسباب تأخیر ورود آن‌ها به بازار را فراهم آورد. (Leslie, Christopher, 2006, p. 124) بدین توضیح که در بسیاری از مواقع، در رابطه با قلمروی ادعاهای مورد حمایت یک اختراع قطعیت وجود ندارد؛ یعنی به طور دقیق مشخص نیست که چه فرآورده‌ها و محصولات مورد حمایت هستند و استفاده کردن از چه فرآورده‌ها و محصولات ناقض حقوق دارندگان موضوعات ثبت شده است. (Corea, Carlos M., 2014, p. 3) در نتیجه، ورود به بازار، همراه با اختراعات جدید، توأم با احتمال نقض حقوق ناشی از گواهی‌نامه‌ی سایر رقبا خواهد بود. یک تازه‌وارد به این مسأله فکر می‌کند که مبدا فعالیت وی نقض‌کننده‌ی حقوق سایرین باشد؛ به همین دلیل باید قلمرو و میزان همپوشانی محصولات و اختراعات خودش با محصولات و اختراعات موجود در بازار را مورد ارزیابی قرار دهد تا معلوم شود آیا واقعاً با محصولی که به بازار

¹³ License.

عرضه می‌شود حقوق رقبای حاضر در بازار که اختراعتشان را ثبت کرده‌اند نقض می‌گردد یا خیر؟ این هزینه‌ها فرآیند رقابتی شدن بازار را با چالش همراه می‌سازد.

جامعه زمانی چنین هزینه‌هایی را تحمل می‌کند که موضوع ثبت شده حداقل - هایی را برآورده نماید؛ یعنی واجد شرایط ماهوی مورد نیاز برای ثبت باشد. در صورتی که گواهی‌نامه‌ای بدون احراز دقیق شرایط ثبت صادر شود، هزینه‌هایی بدون توجیه به جامعه تحمیل می‌شود و آثار تبعات ناشی از انحصار بدون هیچ‌گونه توجیهی برای جامعه پدید می‌آید. (Leslie, Christopher, Op.cit., p. 128) بنابراین لازم است مقررات حقوق مالکیت صنعتی به نحوی تدوین و تفسیر شوند که تا بیش‌ترین حد ممکن انحصار بلاجهت رفع گردد.

۲-۲ - تأثیر اعتبار ندادن به گواهی‌نامه بر تحقق ضرورت‌های حقوق مالکیت صنعتی

یکی از اصلی‌ترین عوامل اثرگذار بر تجاری‌سازی اموال فکری، دایره حقوق ناشی از ثبت و حدود قطعیت آن است. پس از ثبت مال فکری، دارنده گواهی‌نامه این امید را دارد که اگر شخصی اقدام به بهره‌برداری از مال فکری او کند بتواند دعوای نقض را علیه شخص ناقض طرح نماید. حال اگر مرجع قضایی به گواهی‌نامه او اعتبار ندهد و تبعاً دعوای او را رد نماید قاعدتاً در زمان انتخاب نظام حمایتی، ممکن است از تمسک به نظام ثبت بی‌میل گردد. در عین حال، به جهت ضعف ضمانت‌اجراها، تمایل اشخاص ثالث به اخذ مجوز بهره‌برداری از آن مال فکری نیز کاهش خواهد یافت.

در مقابل، ممکن است گفته شود وقتی گواهی‌نامه به درستی صادر نشده و مال فکری واجد شرایط لازم نباشد اعطای انحصار به اشخاص چه توجیهی دارد؟ چیزی که از آن به عنوان یکی از ضرورت‌های حقوق مالکیت صنعتی یاد می‌کنیم، بستری مناسب برای تجاری‌سازی اموال فکری واجد شرایط است، نه اموال فکری فاقد شرایط؛ اتفاقاً

ضرورت دوم، یعنی ضرورت رفع انحصار بلاجهت اقتضی دارد که به این گواهی‌نامه‌ها اعتبار داده نشود و در این راستا، کنکاش مرجع قضایی در خصوص اعتبار گواهی‌نامه می‌تواند موجه جلوه نماید؛ امری که در آرای متعددی به عنوان یکی از عوامل موجهه ورود مرجع قضایی به مسئله اعتبار گواهی‌نامه مورد استناد قرار گرفته است.^{۱۴}

ما نیز بر این عقیده‌ایم که انحصار بلاجهت و تضییق حقوق جامعه امری قبیح است و از این رو می‌پذیریم اگر مال فکری بدون بررسی دقیق ثبت شده باشد اعتبار دادن به آن در دعاوی نقض می‌تواند اسباب استحکام انحصار بلاجهت و سوءاستفاده سودجویان را فراهم آورد. اما مسئله این است که قانون‌گذار برای رفع این مشکل راه‌حلی متقن یعنی امکان ابطال این‌گونه گواهی‌نامه‌ها را پیش‌بینی نموده است؛ امری که یکی از تفاوت‌های اساسی نظام ثبت املاک و ثبت مالکیت صنعتی در مرحله ثبت اولیه محسوب می‌شود. در خصوص ثبت املاک، وفق ماده ۲۴ قانون ثبت، اساساً امکان ابطال سند وجود ندارد؛ اما در حوزه حقوق مالکیت صنعتی، وضعیت کاملاً متفاوت است و دقیقاً به جهت احتمال بالای نادرستی ثبت و ایجاد انحصار بلاجهت، در راستای ضرورت رفع انحصار بلاجهت، ثبت اولیه قابل ابطال است. حال چه دلیلی دارد در شرایطی که خوانده دعوای نقض یا مشتکی عنه می‌تواند از مسیر و چهارچوب صحیح اقدام لازم را برای طرح دعوای ابطال انجام دهد و هم خود را از دعوی یا شکایتی که علیه او طرح شده رهایی بخشد و هم انحصار بلاجهت را برای کل جامعه از بین ببرد، مرجع قضایی برخلاف مقتضیات نظام ثبت و برخلاف نص قانون که حقوق انحصاری را ناشی از ثبت دانسته رأساً اقدام به ارزیابی صحت ثبت نماید؟

^{۱۴} به طور مثال در دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۲۱۲۰۲۰۰۹۲۱ صادره از شعبه دوم دادیاری دادسرای ناحیه ۲۶ تهران

ممکن است گفته شود چه ایرادی بر این رویکرد وارد است وقتی نتیجه نهایی آن حذف انحصار بلاجهت و ترتیب اثر ندادن به گواهی نامه های فاقد شرایط خواهد بود؟ در پاسخ باید توجه شود که اولاً اگر مرجع قضایی بدون طرح دعوی ابطال، در آن پرونده خاص به مسئله اعتبار گواهی نامه ورود کند صرفاً مشتکی عنه یا خوانده همان دعوی از زیان انحصار بلاجهت در امان خواهد بود؛ اما اگر مشتکی عنه یا خوانده به طرح دعوی ابطال ارشاد گردد تمام جامعه از آثار رفع انحصار بلاوجه متمتع خواهد گشت. در نتیجه، عدم ورود مرجع قضایی به مسئله صحت یا عدم صحت ثبت و تمسک به قرار اناطه می تواند موجبات رفع انحصار بلاجهت در سطحی بالاتر را فراهم آورد. ثانیاً راقمین این سطور نیز در صدد حمایت از سوء استفاده گران و اشخاصی که با سوء نیت اقدام به ثبت اختراعات، طرح ها و علائم فاقد شرایط می کنند نیستند؛ اما مسئله این است که صحت یا عدم صحت ثبت یک پدیده صنعتی همواره با قطعیت همراه نیست؛ در واقع، همیشه اینگونه نیست که یک پدیده صنعتی از دید کارشناسان حوزه مربوطه به طور قطعی فاقد شرایط باشد. این مسئله ناشی از شخصی ۱۵ بودن معیارهای ارزیابی شرایط ماهوی ثبت پدیده های صنعتی است. اگر در خصوص ثبت املاک صحبت به میان آید به راحتی می توان گفت ملکی که به ثبت رسیده در عالم اعتبار شرایط ثبت را داشته یا نداشته و حدود اربعه آن ملک به درستی تعیین شده یا نشده است؛ زیرا معیارهای ارزیابی کاملاً موضوعی ۱۶ هستند و قضاوت شخصی اشخاص حداقل اثر را دارد. اما در حقوق مالکیت صنعتی، در بسیاری از مواقع، نمی توان با قاطعیت سخن از وجود یا عدم وجود شرایط ثبت به میان آورد؛ به طور مثال، در خصوص اختراع، حتی اگر قلمرو

¹⁵ Objective.

¹⁶ Subjective.

دانش پیشین^{۱۷} به طور کامل مورد شناسایی قرار گیرد، تطبیق اختراعات مورد درخواست ثبت با قلمرو دانش پیشین بر اساس معیارهای شخصی^{۱۸} صورت می‌گیرد؛ مسئله ای که می‌تواند به عدم قطعیت ورقه اختراع دامن بزند.

ارزیابان اداره ثبت اختراع از زاویه دید خودشان اختراعات را با دانش پیشین تطبیق می‌دهند. جهت احراز شرط گام ابتکاری، ارزیاب باید احراز کند که آن اختراع برای شخص با مهارت متعارف^{۱۹} در رشته مربوطه بدیع نبوده و امری پیش پا افتاده تلقی نمی‌شود. به سه دلیل عمده ارزیابی بر اساس معیار شخص با مهارت متعارف همواره با عدم قطعیت همراه است: ۱- ناتوانی در ارائه معیاری عینی جهت تعریف حداقل سطح فنی و علمی شخص با مهارت متعارف که بر مبنای مهارت او سطح نوآوری باید سنجیده شود؛ ۲- ناتوانی در ارائه معیاری عینی جهت شناسایی حداقل نوآوری لازم برای تحقق گام ابتکاری؛ ۳- غیرممکن و غیر واقع‌بینانه بودن این که شخصی که خودش از سطحی از دانش و مهارت در یک حوزه برخوردار است بتواند از منظر یک شخص خیالی ارزیابی کاملی بدون دخالت دادن تفکرات و سوگیری های خودش انجام دهد). (Corea, Carlos, Op.cit., p. 11) در هر حال ارزیاب باید خود را بجای این شخص فرضی ۲۰ قرار دهد و از دریچه ذهن او به تحلیل موضوع بپردازد. حال ممکن است از دیدگاه یک ارزیاب، اختراع مورد نظر برای شخص با مهارت متعارف کاملاً آشکار باشد اما به نظر ارزیاب دیگر اساساً چنین نباشد. (Corea, Op.cit., p. 11)

¹⁷ Prior Art.

¹⁸ Objective.

¹⁹ Person Having Ordinary Skill in the Art (PHOSITA)

²⁰ Hypothetical Person.

بنابراین می‌توان گفت حتی اگر یک گواهی‌نامه اختراع صادر شود و در طول دوره حمایت، مسئله صحت یا عدم صحت ثبت مطرح گردد، ممکن است بنا بر نظر برخی کارشناسان، اختراع واجد شرایط ثبت بوده و بنا بر نظر برخی دیگر از کارشناسان، واجد شرایط ثبت تشخیص داده نشود، اما نهایتاً حکم ابطال آن صادر شود. در این مواقع، حتی در صورت ابطال گواهی‌نامه نمی‌توان به طور قطع بر این عقیده بود که اختراع مربوطه واجد شرایط ثبت نبوده است.^{۲۱} مسئله شخصی بودن معیارهای ارزیابی در خصوص کاربرد صنعتی هم می‌تواند موثر باشد اما بیش‌ترین تأثیر آن در ارزیابی و احراز شرط گام ابتکاری نمود پیدا می‌کند؛ (lemley, mark, 2001, p510) شرطی که به تعبیر یکی از نویسندگان دارای مفهومی بسیار مبهم و لغزنده^{۲۲} است. (Pittman, Dylan, 2015, p. 347)

شخصی بودن معیارهای ارزیابی در مقایسه دو علامت نیز می‌تواند بسیار اثرگذار باشد. اگر علامتی شبیه علامت دیگر باشد مرجع ثبت باید از ثبت آن علامت اجتناب نماید؛ امری که یکی از ملاحظات مرجع ثبت در زمان ثبت علامت است. در ارزیابی شباهت دو علامت عوامل گوناگونی اثرگذار هستند. یکی از این عوامل درجه شباهت کالاها و خدماتی است که آن دو علامت مورد نظر برای آن‌ها استفاده می‌شود؛ قاعداً هر چه درجه تفاوت میان کالاهای موضوع علامت کمتر باشد درجه شباهت کمتری برای جلوگیری از ثبت لازم است. همچنین جهت احراز وجود شباهت میان علامات، عناصر کلی یک علامت باید بررسی شوند و به طور کلی این فرآیند در ادعای نقض توسط کارشناس قابل بررسی هستند و در این راستا لازم است شباهت را از نگاه یک مشتری احراز نمود. برای احراز شباهت و امکان حصول احتمال گمراهی در مصرف‌کنندگان باید سه عنصر آوا، تلفظ و نمود و یا ترکیبی از آن‌ها را مورد توجه قرار داد. (احمدیان مقدم، فرید، جعفرزاده، میرقاسم، (۱۳۹۶)، ص ۱۴۴) طبیعتاً

^{۲۱} با توجه به همین ملاحظات، یکی از نویسندگان آمریکایی عدم بررسی دقیق شرایط ماهوی ثبت توسط مرجع ثبت را نوعی "بی‌توجهی معقول" دانسته و عقیده بر معقول بودن صرف وقت و هزینه بسیار در ارزیابی اختراعات دارد. (lemley, mark, 2001, p510)

^{۲۲} Elusive and Slippery Concept.

احراز حدود شباهت دو علامت در آوا، ظاهر و تلفظ می‌تواند جولانگاه اختلاف‌نظرهای متعدد و گسترده باشد.

نتیجه آن که برخلاف نظام ثبت املاک، در بسیاری از مواقع حتی در عالم اعتبار هم معلوم نیست مال فکری مورد نظر شرایط ثبت را داشته یا نداشته است. ما این ویژگی را به عدم قطعیت ذاتی^{۲۳} اعتبار گواهی نامه‌های مالکیت صنعتی تعبیر می‌کنیم؛ ویژگی که لازم است قواعد مالکیت صنعتی با لحاظ آن تدوین و تفسیر شوند. در این وضعیت تصور کنید شخصی اختراعی را با حسن نیت به ثبت رسانده و در مقام اعمال حق انحصاری ناشی از ثبت، علیه شخصی که از آن اختراع بهره‌برداری کرده اقامه دعوی می‌نماید. مرجع قضایی به جای اعتبار دادن به گواهی‌نامه فرض را بر عدم اعتبار نهاده و مسئله را به کارشناس ارجاع می‌دهد تا صحت یا عدم صحت ثبت را ارزیابی کند. در این حالت ممکن است کارشناس امر، رویکردی سخت‌گیرانه نسبت به شرط گام ابتکاری داشته باشد و آن اختراع را واجد گام ابتکاری نداند؛ در نتیجه بدون این که آن گواهی‌نامه باطل شده باشد، دادگاه عملاً هیچ حقی برای دارنده گواهی‌نامه متصور نخواهد بود. این در حالی است که شاید اگر کارشناسی دیگر به موضوع رسیدگی می‌کرد نتیجه دیگری حاصل می‌شد. بنابراین به نظر می‌آید ورود مرجع قضایی به مسئله اعتبار گواهی‌نامه، بدون این که دعوای ابطال طرح شده باشد، به جهت شخصی بودن معیارهای ارزیابی، لزوماً موجب رفع انحصار بلاجهت نخواهد شد؛ چه این که اساساً در بسیاری از مواقع نمی‌توان مرز دقیقی میان وجود یا عدم وجود انحصار بلاجهت متصور بود.

در نتیجه رویکرد اتخاذ شده توسط برخی مراجع قضایی که پیش‌تر بدان اشاره شد انطباقی با ضرورت‌های حقوق مالکیت صنعتی ندارد؛ بنابراین رویکرد ماده ۱۳۳ قانون ۱۴۰۳ نه تنها مغایرتی با ضرورت‌های حقوق مالکیت صنعتی نداشته؛ بلکه با هدایت مدعی طرح دعوای ابطال گواهی‌نامه، موجبات حذف کامل انحصار بلاجهت ناشی از آن گواهی‌نامه (در فرضی که واقعاً انحصار بلاجهتی وجود داشته باشد) را فراهم می‌آورد.

²³ Intrinsic Uncertainty.

۳- صدور قرار اناطه با لحاظ قواعد آیین دادرسی کیفری

این سوال مطرح است که آیا مسئله مبحث عنه با لحاظ مقررات آیین دادرسی کیفری در قلمرو قرار اناطه قرار می‌گیرد یا خیر؟ اساساً آیا رویکرد ماده ۱۳۳ قانون حمایت از مالکیت صنعتی موجب توسعه قلمرو قرار اناطه بوده و تبعاً رویکرد رویه قضایی در عدم تسری قرار اناطه به مسئله مانحن‌فیه مطابق قواعد آیین دادرسی بوده است و یا برعکس، ماده ۱۳۳ حاوی حکمی مخالف با مقتضیات آیین دادرسی نمی‌باشد و رویه قضایی در خصوص قلمرو قرار اناطه در اشتباه بوده است؟ در این رابطه شعبه دوم دادرسی ناحیه ۲۶ در برخی آرای خود این گونه ابراز عقیده نموده است: "با توجه به ماده ۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات و الحاقات بعدی قرار اناطه فقط در خصوص اموال غیرمنقول مصداق پیدا می‌کند (در حالی که دارایی‌های فکری اموال ویژه ای هستند و تابع نظام خاص خود و نمی‌توان احکام مربوط به اموال سنتی را بر آن‌ها بار کرد)." (قرار شماره ۹۷۰۹۹۷۲۱۲۰۲۰۰۶۰۰ شعبه دوم دادیرای دادرسی ناحیه ۲۶) نهایتاً دادرسی با این استدلال رأساً و بدون صدور قرار اناطه وارد بررسی شرایط ماهوی ثبت شده است. خلاصه آن که آیا در مانحن‌فیه قواعد آیین دادرسی کیفری اقتضای صدور قرار اناطه را دارد؟

اناطه عبارت است از توقف رسیدگی به یک دعوی بر رسیدگی و ختم دعوای دیگر بدون آن که مقید به نوع خاصی از دعوای (مدنی، جزایی و اداری) بوده باشد. نوروزی، محمد، (۱۳۸۴)، ص ۶۲. به تعبیر مرحوم دکتر لنگرودی، اناطه یعنی توقف رسیدگی به دعوای اصلی بر رسیدگی به امر دیگر که باید پیش از رسیدگی به دعوای اصلی مختومه گردد. (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۹۳، ص ۶۷) دادگاهی که به جرمی رسیدگی می‌کند اصولاً صلاحیت دارد به کلیه ادعاها و ایرادات طرفین رسیدگی نماید؛ اما گاهی اوقات قانون‌گذار به لحاظ رعایت مصالح جامعه و ایجاد نظم در دادرسی و تأمین عدالت بیش‌تر، رسیدگی به برخی مبانی و مقدمات جرم را از صلاحیت دادگاه

کیفری رسیدگی‌کننده به جرم خارج دانسته؛ در این مواقع، دادگاه رسیدگی‌کننده به جرم، قراری صادر می‌کند که به موجب آن، رسیدگی به امر جزایی تا حصول نتیجه قطعی از مرجع صلاحیتدار متوقف می‌شود. این اقدام دادگاه را اناطه کیفری می‌گویند. (خالقی، علی، ۱۳۹۹، ص ۱۰۹، آخوندی، محمود، ۱۳۷۵، ص ۸۶)

در چند مقطع، شاهد تحولاتی در قلمرو صدور قرار اناطه بوده‌ایم. طبق ماده ۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۰ برای صدور قرار اناطه وجود دو شرط ضرورت داشت: ۱- ثبوت تقصیر متهم منوط به اثبات امر دیگری باشد؛ ۲- اثبات آن امر دیگر، مثل اثبات حق مالکیت از صلاحیت ذاتی مرجع کیفری خارج باشد.

در خصوص بحث اثبات مالکیت، اختلافاتی در رویه قضایی شکل گرفته بود. بعضی قضات به مجرد ادعای مالکیت متهم نسبت به مال موضوع جرم قرار اناطه صادر می‌کردند؛ اما بعضی دیگر، موضوع رسیدگی به مالکیت مال منقول را از صلاحیت خود خارج نمی‌دانستند و به رسیدگی ادامه می‌دادند؛ زیرا معتقد بودند لفظ اثبات مالکیت ظهور در اثبات مالکیت اموال غیرمنقول دارد. نهایتاً دیوان عالی کشور با صدور رأی وحدت رویه ۵۲۹ مورخ ۱۳۶۸/۸/۲ به اختلافات خاتمه داد. طبق این رأی: "متن ماده ۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری که ثبوت تقصیر متهم را منوط به مسائلی قرار داد که محاکمه و ثبوت آن از خصائص محاکم حقوقی است ناظر بر اختلاف در مالکیت اموال غیرمنقول می‌باشد و در مورد اموال منقول صدق پیدا نمی‌کند. ... با صدور این رأی، شرایط صدور قرار اناطه این گونه شد که اولاً اثبات وقوع جرم باید منوط به اثبات مسئله ای دیگر باشد؛ ثانیاً اثبات آن مسئله از صلاحیت محاکم کیفری خارج باشد، مگر در مورد اثبات مالکیت اموال منقول که استثنائاً مرجع کیفری می‌تواند به آن ورود کند.

صاحب‌نظران حقوق آیین دادرسی کیفری بر این عقیده‌اند که تفکیک اموال منقول و غیرمنقول و جاری دانستن احکامی متفاوت از جهت امکان صدور قرار اناطه در خصوص این دو نوع مال، نشأت گرفته از جایگاه تشریفات در مالکیت اموال غیرمنقول و عدم نیاز به تشریفات خاص در بحث مالکیت اموال منقول و امکان استفاده از امارات در احراز این امر است. توضیح بیش‌تر این‌که احراز قطعی مالکیت در خصوص اموال غیرمنقول منوط به طی تشریفات ثبت این اموال است و به دلالت قانون ثبت، مالک اموال غیرمنقول آن شخصی است که این اموال در دفتر املاک به نام او به ثبت رسیده است؛ اما چنین قاعده‌ای در رابطه با اموال منقول وجود ندارد و حتی بر اساس تصرف به عنوان یک اماره نیز می‌توان مالکیت اشخاص را محرز دانست. این تفکیک کاملاً معقول بوده؛ زیرا مرجع کیفری این توانایی را دارد که در مقابل دفاع مالکیت مشتکی عنه به بحث مالکیت ورود کند و از اماراتی مثل اماره تصرف بهره‌برد، اما در خصوص مالکیت اموال غیرمنقول با توجه به تشریفات بودن اعطای حق مالکیت و ضرورت ثبت این اموال و عدم کفایت تمسک به ظواهری مثل اماره تصرف نیازمند صدور قرار اناطه هستیم. (خالقی، علی، ۱۳۹۹، ص ۱۱۰، خالقی، علی، ۱۳۹۷، ص ۵۲. پورمحمد، اباست، ۱۳۹۵، ص ۷۷۱) در حقیقت، آن‌جا که مرجع کیفری رأساً توانایی و صلاحیت ورود به بحث اثبات مالکیت اموال منقول را دارد نیازی به صدور قرار اناطه نیست؛ اما آن‌گاه به اثبات مالکیت و تشریفات ثبت درهم تنیده می‌گردند رسیدگی به مسئله مالکیت منوط به صدور قرار اناطه و طرح در مرجع حقوقی خواهد بود.

به هر روی، با تصویب قانون جدید آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲ تا حدود زیادی ابهام‌ها و مسائل اختلاف برانگیز رفع شد. ماده ۲۱ این قانون مقرر می‌دارد: "هر گاه احراز مجرمیت متهم منوط به اثبات مسائلی باشد که رسیدگی به آن‌ها

نه در صلاحیت مرجع کیفری بلکه در صلاحیت دادگاه حقوقی است، با تعیین ذی نفع و با صدور قرار اناطه تا هنگام صدور رأی قطعی از مرجع صالح تعقیب متهم معلق و پرونده به صورت موقت بایگانی می‌شود. در این صورت، هرگاه ذی نفع ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ قرار اناطه بدون عذر موجه به دادگاه صالح رجوع نکند و گواهی آن را ارائه ندهد مرجع کیفری به رسیدگی ادامه می‌دهد و تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند. " تبصره ۲ این ماده مقرر داشته: "اموال منقول از شمول این ماده مستثنی هستند."

بنابراین با عنایت به سیر تاریخی تکامل قرار اناطه می‌توان گفت این قرار آن‌جا صادر می‌شود که اولاً با توجه به دفاعیات متهم، شاکی دلایل کافی برای اثبات جرم ادعا شده نداشته و برای اثبات جرم، نیاز به اثبات امر دیگری که در صلاحیت دادگاه حقوقی است وجود داشته باشد؛ ثانیاً احراز آن امر باید لزوماً در قالب یک دعوای مستقل در یک مرجع قضایی دیگر انجام شود؛ ثالثاً آن امر اثبات مالکیت اموال منقول نباشد. به طور مثال، اگر شکایت زنا طرح شده باشد و متهم با وجود وقوع نزدیکی با شاکی مدعی وجود رابطه زوجیت با او بوده و این مسئله مورد انکار طرف مقابل قرار گیرد از آن‌جا که اصل بر عدم زوجیت بوده و وقوع نکاح امری حادث است باید قرار اناطه صادر شود و متهم اقدام به طرح دعوی اثبات رابطه زوجیت در دادگاه خانواده نماید. (خالقی، همان منبع، ۱۳۹۷، ص ۵۴).

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد استدلال ارائه شده در آرای مراجع کیفری مبنی بر عدم امکان صدور قرار اناطه در مانحن‌فیه بر این پایه استوار است که صدور قرار اناطه صرفاً در خصوص اموال غیر منقول قابل تصور می‌باشد. اما این استدلال کاملاً مخدوش است؛ زیرا بر خلاف استدلال ارائه شده در آرای فوق‌الذکر، سیر تاریخی موضوع نشان داد که تبصره ۲ ماده ۲۱ امکان صدور قرار اناطه در خصوص مالکیت اموال منقول را با این قید ضمنی سلب نموده که احراز مالکیت اموال منقول مستلزم

طی تشریفات نباشد؛ بنابراین اگر بپذیریم اموال فکری اموالی با ماهیت خاص هستند که احراز مالکیت آن‌ها مستلزم طی تشریفات است، همان مبنایی که امکان صدور قرار اناطه در خصوص اموال غیرمنقول را تجویز می‌نماید در رابطه با اموال موضوع حقوق مالکیت صنعتی نیز وجود دارد و ضرورت دارد امکان صدور قرار اناطه نسبت به آن اموال را نیز بپذیریم. غایت امر آن که از دیدگاه راقمین این سطور، همان مبنا که در خصوص تسری قرار اناطه به اموال غیرمنقول وجود دارد (یعنی شکل‌گیری و زوال حق بر اساس تشریفات) در رابطه با اموال منقول فکری موضوع حقوق مالکیت صنعتی نیز قابل تصور است؛ از این روی، به نظر می‌رسد تبصره ماده ۲۱ ق.ا.د.ک در مقام خارج نمودن تمام اموال منقول از شمول قرار اناطه نبوده است؛ بلکه می‌توان خارج بودن اموال موضوع حقوق مالکیت صنعتی از شمول تبصره ۲ ماده ۲۱ را در تقدیر دانست و بر این عقیده بود که اموال حقوق مالکیت صنعتی نه مشمول تبصره ۲ ماده ۲۱، بلکه مشمول خود ماده ۲۱ ق.ا.د.ک هستند. بنابراین می‌توان گفت مدلول اقتضایی تبصره ۲ ماده ۲۱ این است که اموال منقول (به جز اموال موضوع حقوق مالکیت صنعتی) از شمول قرار اناطه مستثنی هستند. از این روی، حتی قبل از تصویب قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳ نیز امکان صدور قرار اناطه وجود داشت. اما در هر حال، با عنایت به رویکرد ناصواب رویه قضایی، واضع قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳ تکلیف اعمال ماده ۲۱ ق.ا.د.ک را مورد تصریح قرار داد.

گواهی نامه ثبت مالکیت صنعتی سندی دال بر مالکیت دارنده و حقوق انحصاری این شخص می‌باشد و ظاهراً دلایل کافی برای اثبات مجرمیت وجود دارد. با این حال، با توجه به فضای بی‌ثبات حقوق مالکیت صنعتی و شیوع صدور نادرست گواهی‌نامه مالکیت صنعتی، عقیده بر امکان صدور قرار اناطه عقیده ای گزاف نخواهد بود، ولو این که تا حدودی موجبات اطاله دادرسی فراهم آید. در حقیقت، اعتبار گواهی‌نامه‌های مالکیت صنعتی به هیچ وجه قابل مقایسه با اسناد مالکیت اموال غیرمنقول نداشته و نمی‌توان به نفس وجود گواهی‌نامه اکتفا نمود و اشخاص را بدون توجه تمامی

دفاعیاتشان محکوم کرد. تفسیر موسع مقررات آیین دادرسی کیفری و تفسیر این مقررات به نفع متهم نیز همسو با این تحلیل می‌باشد. بنابراین رویکرد قانون‌گذار در وضع ماده ۱۳۳ قانون جدید ننتها مخالفتی با مقتضیات آیین دادرسی کیفری ندارد، بلکه همسو با آن است.

نتیجه

در این اثر تلاش گردید حدود انطباق ماده ۱۳۳ قانون جدید حمایت از مالکیت صنعتی با مقتضیات ثبت‌محور بودن روش حمایت از پدیده‌های صنعتی، ضرورت‌های حقوق مالکیت صنعتی و مجرای قرار اناطه مورد تحلیل قرار گیرد که این نتایج حاصل شد:

اولاً ثبت‌محور بودن روش حمایت در حقوق مالکیت صنعتی، اقتضای می‌کند بر این عقیده باشیم که تا زمان بقا و اعتبار گواهی‌نامه، حقوق انحصاری ناشی از ثبت استقرار کامل داشته و مرجع قضایی اختیار ندارد رأساً به مسئله اعتبار گواهی‌نامه ورود کند؛ چرا که با ثبت پدیده صنعتی حقوق انحصاری مستقر گردیده و تا زمان بقای گواهی‌نامه این حقوق به قوت خود باقی خواهند ماند.

ثانیاً از آن جا که ضرورت ایجاد بستری مناسب برای تجاری‌سازی اقتضای تقویت حمایت از دارنده گواهی‌نامه را دارد، اعتبار ندادن به گواهی‌نامه در دعوای نقض قابل پذیرش نمی‌باشد؛ در غیر این صورت اشخاص در زمان انتخاب روش حمایت از ابداعات و آفرینش‌های فکری و صنعتی خود، نسبت به انتخاب نظام ثبت مالکیت صنعتی بی‌میل می‌گردند و تبعاً جامعه از مزایای افشای اطلاعات راجع به آفرینش‌های فکری، خصوصاً اختراعات محروم خواهد شد. همچنین تضعیف حمایت‌های نظام ثبت

مالکیت صنعتی موجبات بی میلی اشخاص نسبت به انعقاد قرارداد را فراهم می آورد و این گونه دامنه اشاعه دارایی های فکری کمرنگ می گردد. در خصوص ضرورت رفع انحصار بلاجهت به این نتیجه رسیدیم که به جهت شخصی بودن معیارهای ارزیابی، ورود مرجع قضایی به مسئله اعتبار گواهی نامه، بدون این که دعوی ابطال طرح شده باشد، لزوماً موجب رفع انحصار بلاجهت نخواهد شد؛ چه این که اساساً در بسیاری از مواقع نمی توان مرز دقیقی میان وجود یا عدم وجود شرایط ثبت و تبعاً انحصار بلاجهت متصور بود. بنابراین رویکرد ماده ۱۳۳ مخالفتی با این ملاحظات ندارد.

ثالثاً بر خلاف آن چه در برخی آرای مراجع کیفری به عنوان توجیه عدم امکان صدور قرار اناطه بیان گردیده به نظر می رسد با توجه به سیر تاریخی منتهی به تصویب ماده ۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری حکم ماده ۱۳۳ مغایرتی با قواعد آیین دادرسی کیفری نداشته و اتفاقاً حتی اگر این ماده تصویب نمی شد نیز ممنوعیتی در خصوص صدور قرار اناطه در فرض مباحث عنه وجود نداشت.

منابع

کتاب:

-آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، "تهران: مجد، جلد اول، چاپ پنجم"، ۱۳۷۵.

-جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، "تهران: گنج دانش، چاپ بیست و پنجم"، ۱۳۹۳.

-خالقی، علی، نکته ها در قانون آیین دادرسی کیفری، "تهران: موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی، چاپ بیستم"، ۱۳۹۷.

-خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، "تهران: شهر دانش، جلد اول، چاپ دوازدهم"

۱۳۹۹.

مقالات:

-احمدیان مقدم، فرید، جعفرزاده، میرقاسم. (۱۳۹۶). "معیارهای احراز نقض علامت تجاری بر اساس ضوابط عام مسئولیت مدنی و خصوصیات علایم تجاری در حقوق ایران و آمریکا"، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۸۵، صص ۱۳۹-۱۶۹.

بهادری جهرمی، زهرا، شاکری، زهرا. (۱۳۹۵). "سخنی در انواع نظامهای ثبت اختراع؛ با نگاهی به برخی اصول ثبتی"، مجموعه مقالات همایش ملی تجلیل از مقام علمی استاد محمدجعفر جعفری لنگرودی.

جعفرزاده، میرقاسم، لجم اورک، حسن. (۱۳۹۶). "استفاده از علامت تجاری در دعاوی نقض، شرطی استثنایی یا فراگیر"، حقوق اسلامی. شماره ۶۵، صص ۱۵۹-۱۸۲.

عزیزثانی، حمیدرضا، ابهری، حمید، حسینی، سیدحسن. (۱۴۰۱). "معیارهای احراز گمراهی در نقض علامت تجاری بر مبنای حقوق ایالات متحده آمریکا و ایران"، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۱۴، شماره ۱، صص ۳۳۶ تا ۳۶۸.

شاکری، زهرا، بهادری جهرمی، زهرا. (۱۴۰۰). "اصل اعتبار گواهی نامه ثبت اختراع و اعمال آن در نظام حقوقی ایران"، مجله حقوق خصوصی، دوره ۱۸، صص ۲۰۳-۲۲۵.

طباطبایی حصاری، نسرین، صادقی مقدم، حسین. (۱۳۹۴). "آثار ثبت املاک بر اعتبار اعمال حقوقی؛ با تأکید بر اوصاف و کارکردهای نظام ثبتی"، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۶، شماره ۲، صص ۶۷۷ تا ۶۹۸.

-نوروزی، محمد. (۱۳۸۴). "قرار اناطه در دعاوی حقوقی"، مجله کانون وکلای دادگستری، شماره ۲، صص ۵۰-۸۳.

منابع اینترنتی

-پورمحمد، اباست. (۱۳۹۲). "قرار اناطه در قانون جدید آیین دادرسی کیفری و مقایسه آن با قانون قدیم"، همایش ملی قانون آیین دادرسی کیفری در بوته نقد، قابل دسترسی در سایت <https://civilica.com/doc/420589>.

رویه قضایی

-دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۲۱۲۰۲۰۰۹۲۱ صادره از شعبه دوم دادپاری دادرسی ناحیه ۲۶ تهران

-دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۲۱۲۰۲۰۰۷۱۸ صادره از شعبه دوم دادپاری دادرسی ناحیه ۲۶ تهران

-دادنامه شماره ۹۷۰۹۹۷۲۱۲۰۲۰۰۶۰۰ صادره از شعبه دوم دادپاری دادرسی ناحیه ۲۶ تهران

-دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۲۱۲۰۲۰۱۱۹۹ صادره از شعبه دوم دادپاری دادرسی ناحیه ۲۶ تهران

English

Books:

-Landess, William and Ponser, Richard. (2003). The Economic Structure of Intellectual Property Law, USA: Harvard University press.

- Uma Suthesanen, Graham Dutfield and Kit Boey Chow. (2007). Innovation Without Patents, USA: Edward Elgar.

- WIPO Intellectual Property Handbook: Policy, Law and Use. (2004), Volume 489 of WIPO publication, Issue 489, 2004.

Essays:

- Barnaby, Howard.(1973). "Patent Law- Previously Paid Royalty- No Recovery by License Judgment of Invalidity", Boston College Law Review, Vol. 124, pp. 489- 542.

- Lemely Mark. (2001). "Rational Ignorance at Patent Office" ,Northwestren University Law Review, Vol. 25, pp. 497-532.

-Lemley, Mark, Shapiro, Karl. (2005). "Probabilistic Patents", Journal of Economic Perspectives, Vol. 68, pp.75-98.

- Leslie, Christopher.(2006). "the Anti Competitive Effects of Unenforced Invalid Patents", Minnestota Law Review, Vol. 10, pp. 101-183.

- Pittman, Dylan.(2015). "Allowing Patent Validity Challenge Despite No-Challenge Clauses: Full Fling The Will of king Lear", Indiana Law Review, Vol. 48, pp. 340-389.

- Erkal, Nisvan.(2004). "On the Relationship between Patent and Trade secrets", Australian Economic Review, Vol. 37, pp. 1-43.

- Roper, Nicholas.(2008). "Limiting Unfettered Challenges to Patent Validity", Cardozo Law Review, Vol. 135, pp. 1610-1691.

- Leslie, Christopher.(2006). "The Anti Competitive Effects of Unenforced Invalid Patents", Minnestota Law Review, Vol. 10, pp. 101-183.

Online sources:

- Corea, Carlos M., (2014). "Patent Examination and Legal Fictions: How Rights Are Created on Feet of Clay", south center- research paper, Available at https://www.southcentre.int/wp-content/uploads/2014/12/RP58_Patent-Examination-Legal-Fictions-rev2_EN.pdf

- Gail A. Van Norman. (2017). "Technology Transfer: From the Research to Commercialization", available at: <<http://dio.org/101016>, Visited on 8 /10/2023